

تعمیرات و تحولات محتوایی کتاب‌ها

پای صحبت دکتر فریدون اکبری شلدیره
مدیر گروه زبان فارسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

محمودار دوخانی



اشاره

در گفت‌وگوی پیش رو تحولات زبان و ادبیات فارسی با توجه به نوع و محتوای موضوعات در راستای تغییرات کتب درسی بر اساس برنامه‌ها و اسناد بالادستی و معیارهای انتخاب محتوا و متون و استفاده از نیروهای تخصصی در امر تغییر و تحول و تألیف و چالش‌های زبانی مناطق و اقدام دوزبانه بررسی می‌شود. بازتاب‌ها و دوره‌های آموزشی معلمان و دبیران با توجه به تغییرات و مقابله‌ای منطقی و با برنامه در برابر تخریب‌های احتمالی فضای مجازی که در لحن و خوانش دانش‌آموزان تأثیر دارد بخش دیگر مصاحبه است.

همسازی و همراهی با نیازهای آینده و نیازهای اصلی را با مدیر گروه زبان فارسی به بحث و پرسش و پاسخ نشستیم.

● گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی برای تغییر این کتاب‌ها به چه ملاک‌ها و معیارهایی توجه دارد؟

■ سؤال شما دربارهٔ سنجه‌های تغییر کتاب‌های درسی است. راه و رسم همیشگی ما این است که از آغاز آموزش رسمی، یعنی پایهٔ نخست دبستان، تا فرجام کار آن بنیان‌های تغییر کتاب‌های درسی توجه به مبانی نظری اسناد و

اسناد فرادستی مانند سند تحول، برنامه درسی ملی، رهنامه و فلسفهٔ تعلیم و تربیت، است. این‌ها سندهای مادر و رسمی نظام تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش ما هستند و البته ویژهٔ گروه ادبیات فارسی هم نیستند. این اسناد نوپدیدند و تقریباً از سال نود ابلاغ شده‌اند. پیداست که کتاب‌های درسی در همهٔ حوزه‌های یاددهی و یادگیری باید خود را با این برنامه‌ها همسو و همراه کنند. پس این دسته اسناد بالادستی هستند.

دومین دسته از سنجه‌های تغییر، توجه به دگردیسی‌های ساختار فرهنگی، اجتماعی جامعهٔ تعلیم و تربیتی ماست. به سبب اینکه

همه مسائل اجتماعی همسو با توانایی‌های ادراکی اهل زبان در جامعه به سمت رشد و ارتقا گام برمی‌دارد، منطق برنامه‌ریزی درسی هم حکم می‌کند که هرچند سال یک بار برنامه‌ها را نوسازی کنیم و برنامه‌ها نیز نوزایی را تجربه کنند. دسته دیگر از این سنججه‌ها توجه به ناز و نیازهای مخاطبان ماست. دو واژه «ناز» و «نیاز» را آگاهانه به کار بردم؛ برای آنکه ما از دبستان با کودکان سروکار داریم، بخشی از برنامه باید توجه به لطافت‌های روان‌شناختی و روحی و به زبان ساده‌تر، نازهای کودکان ما باشد.

باید به این‌ها در پردازش متن و محتوا و چگونگی سازماندهی ساختار کتاب درسی توجه کنیم. از سوی دیگر، نیازهای نوجوانان و جوانان در سطوح بالاتر - یعنی متوسطه دوره اول و دوره دوم - مطرح است.

سنجه دیگر توجه به پژوهش‌ها، یافته‌ها، و نتایج سراسری آموزش عمومی است. در کشور در قلمرو آموزش مهارت‌های زبانی و نگاه به یافته‌های علمی در حوزه زبان‌آموزی در مطالعات جهانی و پژوهش‌های داخلی این سنججه‌ها و معیارها ما را موظف می‌کنند به اینکه هر چند یکبار برنامه‌ها را بازنگری و درباره آن‌ها بازاندیشی کنیم. بنابراین، بخش مهارت‌های تخصصی از منظر رویکرد ویژه برنامه درسی توجه به مخاطبان ما توجه به پهنای مهارت‌های زبان‌آموزی دو حوزه مهارت خوانداری و شفاهی از ضروریتهایی هستند که ما را وامی‌دارد به سمت کارهای تازه حرکت کنیم و نیازهای روز جامعه را با برنامه درسی همراه سازیم. در آموزش مهارت‌های زبانی، زبان‌آموزان ما باید بتوانند در جامعه و زندگی اجتماعی از توانش‌های زبانی و مهارت‌های زبان بهره‌مند شوند.

• چه برنامه‌هایی برای تغییر کتاب‌های درسی دارید؟

■ بر پایه پیش‌بینی‌هایی که از قبل داشته‌ایم و برنامه‌ریزی‌ای که از سال ۱۳۹۰ اجرایی شده است، روند برنامه درسی ملی را در پیش گرفتیم و تغییر دوره متوسطه دوم را در پی دوره متوسطه

نخست آغاز کردیم. یک سال‌ونیم است که برنامه‌ریزی در دوره متوسطه دوم، تدوین راهنمای برنامه و برنامه‌های زبان‌آموزی در این دوره را آغاز کرده‌ایم. بنابراین، گام‌های نخست را برداشته‌ایم. اما برخی از پرسش‌ها و ابهامات ما همچنان باقی است و منتظریم شورای عالی آموزش و پرورش مواد درسی و ساعات آموزشی ویژه ما را ابلاغ و اعلام کنند تا ما براساس آن مصوبه ضعف‌ها و مسائل داخلی خودمان را بشناسیم و برای کامل کردن برنامه و رفع کاستی‌ها گام‌های بعدی را برداریم.

• برای تغییر و تحول در کتاب درسی از چه عناصر و گروه‌هایی کمک می‌گیرید؟

■ بخشی از این گروه‌ها درون سازمانی‌اند و بخشی برون‌سازمانی. درون‌سازمانی‌ها شورای علمی گروه و کارگروه‌های ویژه‌ای هستند که برای تدوین برنامه، سازماندهی برنامه و برنامه‌ریزی و کارگروه تخصصی داریم. چون در دوره متوسطه دوم حرکت از زبان به سمت ادبیات است، کارگروه ویژه دستور زبان، کارگروه تاریخ ادبیات و مهارت‌های نوشتاری و کارگروه ویژه نقد ادبی هستند. متخصص‌های ما در دوره متوسطه دوم کارگروه‌های علمی هستند که سازمانی نیستند. متخصصان موضوعی از دانشگاه تهران و دانشگاه‌های پراکنده و مدرسان مناطق مختلف استان و استان‌های نزدیک مثل قزوین و البرز هستند که به فراخور موضوع در نشست‌های ما شرکت می‌کنند.

• آیا برای جلوگیری از مشکلات ناشی از تغییر، از دبیران ادبیات فارسی هم استفاده می‌کنید؟

■ بله از سال ۹۲ که برنامه‌ریزی تغییر در متوسطه دوم را شروع کردیم، در کارگروه ویژه بازنگری ده پرسش را طراحی کردیم و به دبیرخانه راهبردی ادبیات و زبان فارسی در شیراز رساندیم و آن‌ها آن را در پایگاه رایانه‌ای خود قرار دادند. البته گروه زبان و ادبیات فارسی هم این پرسش‌ها را روی سایت قرار داد که در حال حاضر

هم هست.

• در تهیه این پرسش‌ها از دبیران کمک گرفتید؟

■ پرسش‌ها از نتایج نشست‌های کارگروه تخصصی ماست که شامل دوازده نفر است. بازنگری برنامه‌ریزی و آغاز همه پویه‌های تغییر در متوسطه دوم از دستاوردهای آن نشست‌ها بود. همین‌طور تدوین پرسش‌ها که به تناسب قلمرو زبان و ادبیات فارسی طراحی شدند؛ به شکلی که پاسخ به هر پرسش به بخشی از نیازهای تخصصی ما پاسخ بدهد. در این‌باره از مناطق تهران و استان‌ها (از راه دبیرخانه) و متخصصانی که از سال ۹۲ در نشست‌ها حضور داشته‌اند، استفاده کردیم. نتایج پرسش‌ها را که مکتوب فرستادند جمع‌آوری و نتایج آن‌ها را هم دسته‌بندی کردیم و جدا از تصمیم‌گیری‌های فردی خودمان قرار دادیم.

• به نظر شما، آیا تغییری در ادبیات فارسی می‌توانیم داشته باشیم؟ اصولاً صحیح است که بگوییم تغییر در ادبیات فارسی؟

■ ببینید این پرسش را با زبان برنامه‌ریزی درسی و علمی‌تر بازگو می‌کنم. هر برنامه چهار سو و پایه دارد. یک سو برنامه، اهداف و اصول هستند، سوی دیگر محتوا و دیگری روش‌ها. آموزش سوی پایانی ارزش‌یابی است. این چهار پهنه برنامه‌ریزی درسی بود که عرض کردم. دومی آن محتواست. وقتی صحبت از تغییر در برنامه‌های درسی می‌کنیم، رویکردها، اصول و اهداف دستخوش تغییر می‌شوند. تغییر رویکرد یعنی تغییر نگرش و جریان هدف‌گیری ما نسبت به موضوع در تمام این چهار پهنه؛ بنابراین، ما تغییر ادبیات نداریم. ادبیات ما و متون ما ثابت هستند. غزل حافظ و سعدی همواره در آموزش درسی ما بوده است. اما نگاه ما امروز متفاوت است. برای مثال، غزلی از یک شاعر سال‌ها در کتاب درسی می‌آید اما یک زمان می‌بینید در کتاب درسی دهه ۱۳۳۰ این غزل آمده است؛ بی‌هیچ آغازینه و پیشینه‌ای. یعنی فقط شعر آمده و شاید چند لغت آن

معنا شده است. اما در دور دیگر، همین غزل با نوعی طراحی دیگر یعنی شیوه‌ارائه، طراحی‌های محتوایی و سازماندهی متفاوت می‌آید. نحوه سازماندهی، آموزش را هم جهت می‌دهد. تغییر آموزش، ارزشیابی ما را هم تغییر می‌دهد. ببینید همه این سازه‌ها و عناصر به هم پیوسته‌اند الان ما اگر همان غزل را به کار بگیریم خیلی‌ها با نگاه بیرونی می‌گویند که همان کتاب سی سال پیش است. بله غزل حافظ از قرن هشتم تا حال همان غزل است اما این بار نمی‌گوییم این لغت را معنا کن. در برنامه‌ریزی جدید تمام توجه ما در بخش خوانش متون بر دو چیز است: توجه به پاره‌مهارت‌های خوانداری یعنی لحن، کلام، آهنگ، فراز و فرود و کشش درست. این‌ها پاره‌مهارت‌های خوانداری هستند که تاکنون در برنامه‌های رسمی بی‌توجه از کنارشان عبور کرده‌ایم. دیگر اینکه در همین بخش به سطوح ادراکی متن توجه می‌شود؛ یعنی زمینه‌سازی برای تقویت سواد ادراکی بچه‌ها.

• بازتاب تغییرات در کتاب‌های درسی چیست و اینکه در حال حاضر کدام پایه‌ها در آستانه تغییر قرار دارند؟

■ ما سال‌هاست که تغییر را داریم و رسیده‌ایم به تولید سال ۹۴-۹۳ در پایه پنجم ابتدایی و پایه نهم در متوسطه اول. بنابراین، بازخورد تغییرات سال گذشته را الان داریم تجربه می‌کنیم. هم‌زمان از استان‌ها گزارش‌ها و مشاهدات حضوری از کلاس‌ها دریافت می‌کنیم. نتایج که اعتبارسنجی سازمان و پژوهشی را هم که هر ساله، انجام می‌شود، در اختیار داریم. بنابراین، چند سنجه داریم؛ از جمله نتایج پژوهش که در مؤسسه پژوهشی انجام می‌شود. بعد از هر تألیف پژوهش انجام و نتیجه به ما اعلام می‌شود. دیگر نتایج رسمی آموزش کلاس‌ها، یعنی آنچه در کشور تجربه می‌شود در تمام استان‌ها با تفاوت‌های زبانی و سطوح یادگیری. دیگری، مشاهدات مستقیم و حضوری مؤلفان در کلاس‌هاست و همین‌طور،

جلسات نقد که در حوزه‌های علمی برگزار می‌شود. برای مثال، جلسات نقد کتاب آموزش مهارت نوشتاری که تازه تألیف بود، از مهرماه آغاز شد. ما هم با رهبری گروه، ماهانه یک نشست عمومی نقد کتاب داریم که با حضور متخصصان حوزه ادبیات کودک و نوجوان برگزار می‌شود. نشست‌هایی هم با حضور آقای سرشار و میرکیانی داشتیم. برای این نشست‌ها در سطح تهران فراخوان دادیم تا هرکس که می‌تواند شرکت کند. بنابراین، چهار حوزه کتاب‌ها را مورد محک تجربه و سنجش قرار می‌دهند تا پستی و بلندی‌های کتاب به‌دست بیاید و در سال بعد با بازنگری، لغزشگاه‌ها برطرف شوند. الان در پایه پنجم در حال تولید برای مهر ۹۴ هستیم. کتاب‌های پایه چهارم و هشتم تولید سال ۹۳ هستند.

• **بازخوردهایی که دریافت کرده‌اید بیشتر مثبت بوده‌اند یا منفی؟ آیا با مشکلاتی هم مواجه بوده‌اید؟**
■ خوشبختانه در سال ۹۳ چهار کتاب داشتیم. دو کتاب ما نوپدید بودند و بعد از سال‌ها وارد چرخه آموزش رسمی شده

بودند. یکی کتاب انشا که ما نام آن را «آموزش مهارت نوشتاری» گذاشتیم. یکی هم نگاه مهارتی داریم. این دو کتاب با اقبال صددرصدی روبه‌رو شدند که دلیل آن توجه به روانشناسی ذائقه ایرانیان و موضوع انشاست که باعث شد همکاران با مشاهده این کتاب در سال ۹۳ بهجت و نشاط درونی حس کنند. البته این کتاب بی‌لغزش نبوده اما در مقابل تولیدات دیگر کم‌لغزش بوده است. در حال حاضر این کتاب را برای سال ۹۴ بدون تغییر در درس اما با پیشنهادهای درون‌متنی برای چاپ فرستاده‌ایم که قوت قلبی است برای ما. دلیل موفقیت این کتاب‌ها را بازگذاشتن پهنه و فراخی هم‌زمان با تولید می‌دانیم، همچنین، فراخوان در مناطق تهران برای بازخوانی و متن پیش‌نویس که آن را روی سایت قرار دادیم.

• **در تغییر و تحولات کتب درسی، نظر دانش‌آموزان چه جایگاهی دارد؟**

■ در تولید جدید نظر دانش‌آموز پرسیده می‌شود؛ یعنی هم‌زاد با تولید است.

پیش‌نویس کتاب‌های تولید شده را در بین ۵ تا ۱۰ استان منتخب در اختیار سرگروه‌ها قرار می‌دهیم که موظفانند آن را در کلاس دانش‌آموزی به محک تجربه و آزمون بگذارند و در جمع دبیران، آن را بررسی و نتایج بررسی را برای نهایی شدن کتاب ارسال کنند. این مرحله اول حضور دانش‌آموزان است. مرحله دیگر اجرای سراسری است که با همه تفاوت‌های جغرافیایی، فرهنگی، گویشی، لهجه‌ای حوزه زبان آموزی و تفاوت‌های رنگ‌های زبانی باید به آن توجه شود. از مهر تا پایان اسفند فرصتی شش‌ماهه داریم تا کتاب تازه‌تألیف را دانش‌آموزان هم بازخوانی کنند. نظارت و بازنگری می‌کنیم برای چاپ سال بعد.

● **در برخی استان‌ها با چالش زبانی بین دانش‌آموز و معلم مواجه بودیم که در بعضی از نقاط استانی واقعا مشکل‌ساز شده بود. آیا برای بالا بردن سواد فارسی بچه‌ها در امر یادگیری دروس، کاری انجام شده است؟ چون واقعا بعضی از معلمان نمی‌توانستند درس‌ها را با زبان فارسی منتقل کنند. خرده‌فرهنگ‌ها، قوم‌ها و لهجه‌ها قدرت مانور را کم کرده بود. اقدامات شما در این حوزه‌ها و برای این چالش‌ها چیست؟**

■ درست است. اصل پانزده قانون اساسی ما بر به‌کارگیری معیار زبان فارسی برای مکاتبات و آموزش رسمی در همه سطوح و پایه‌ها تأکید دارد. در ادامه این اصل، توجه به ادبیات بومی، محلی، منطقه‌ای را روا دانسته‌اند. به همین دلیل باید مرز میان زبان و ادبیات را بازشناسی و تفکیک کنیم. آنچه در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته، زبان معیار است اما در کنار آن بهره‌گیری از ادبیات بومی و محلی جایز می‌باشد. با رعایت همین موضوع، براساس این طرح در برنامه‌ریزی جدید به بخش دوم قانون اساسی هم توجه کرده‌ایم. یعنی، با آنکه برنامه‌ریزی درسی ما در نظام آموزش و پرورش متمرکز است - یعنی برنامه‌ها تمرکزمحورند و یک کتاب درسی برای همه گستره فراخ فرهنگی است - ما آمدیم و از دل آن برای بخش دوم

اصل ۱۵ فرصتی ایجاد کردیم و فصلی با عنوان «ادبیات بومی» را در کتاب تولید جدید گنجانده‌ایم.

● **در برنامه درسی ملی این حوزه به استان‌ها سپرده شده بود؟**

■ بله. گنجاندن این مطلب و ایجاد فرصت برای حضور مناطق مختلف به نوعی توجه به همان بیست درصد مشارکتی است که در برنامه درسی ملی مورد نظر است اما چالش‌ها در استان‌هایی است که مسئله دوزبانگی یا چندزبانگی دارند. البته این در دوره ابتدایی آشکارتر است. ما زبان را به‌طور طبیعی تا پیش از ورود به آموزش رسمی از جامعه زبانی و محیط زندگی می‌آموزیم. بنابراین، زبان آموز ما درس خود را تا شش سالگی فرا می‌گیرد. از این سن به بعد که می‌خواهیم او را وارد آموزش رسمی کنیم، آشنایی با زبان معیار زبان آموز ما را دچار دست‌انداز می‌کند. در اینجا تأکید ما بر این است که در مناطق دوزبانه، آموزگاران از توانایی زبان اول برای آموزش زبان دوم استفاده کنند؛ یعنی آموخته‌های قبلی را منع نمی‌کنیم؛ چون دنیای ذهن و کارهای مغزی دارای ظرف و ظرفیتی است. دانش‌آموز واژگان بی‌شماری فرا گرفته‌اند و بنابراین بهتر است از گنجینه واژه‌های دانش‌آموز برای رشد زبان ملی کمک بگیریم. مثلاً در آذربایجان، ما در نگاره کلمه آب را آورده‌ایم. شکل آب را داده‌ایم و کودک واژه آب را هم آنجا می‌بیند. من اگر در آنجا درس بدهم می‌گویم بچه‌ها این همان «سو» است؛ چرا؟ چون با گفتن این واژه دانش‌آموز با کتاب هم‌زادپنداری می‌کند و این کمک به یادگیری آموخته‌های جدید است.

● **دوره‌های آموزشی تدارک دیده شده برای معلمان و دبیران با توجه به تغییرات و نسبت تغییرات با اسناد بالادستی چگونه است؟**

■ برای مدرسان همه‌ساله آموزش انجام می‌شود که همراه با تولید جدید است. ما هر ساله در دو پایه تغییر داریم. حجم تغییرها زیاد است: در دهه ۷۰ یک پایه تغییر می‌کرد؛ آن هم با فاصله‌ای دو سه ساله و اجرای آزمایشی در سراسر کشور، اما در حال حاضر ما اجرای سراسری یا

آزمایش سراسری نداریم، الان فاصله‌ها خیلی کم و بسیار فشرده هستند که در آموزش تأثیر دارد. آموزش عمومی پس از نهایی شدن کتاب‌های تازه تألیف شده همه ساله در تابستان برگزار می‌شود که در سطح مدرسان کشوری در تهران برگزار می‌شود. و این‌ها حلقه میانی ما هستند با استان‌ها که برای هر کتاب یک‌بار برگزار می‌شود. بنابراین، برنامه باید برای آموزش عمومی معلمان در طول سال ادامه یابد و پیوسته باشد. آموزش هست اما کافی نیست.

در مورد نسبت تغییرات با اسناد بالادستی در برنامه‌های درسی چند رکن یا پایه برنامه درسی ما در برنامه جدید تغییر می‌یابد. آیا ما رویکرد، اهداف، اصول، محتوا و روش‌های ارزشیابی، در همه این‌ها تغییر داریم؟ این‌طور نیست که همه عناصر سازه دستخوش تغییر شوند. برای اینکه قلمرو علمی ما بنیان‌هایش ثابت است زبان آموزی و ادبیات فارسی، آموزش مهارت‌های ادبی، اما در رویکرد عمومی به حسب تولید برنامه بالادستی جدید - یعنی اسناد ملی، سند تحول، برنامه درسی ملی - رویکرد عام همه برنامه‌ها تغییر کرد و در سنجش اهداف و اصول چون جدول دوعده‌ای اهداف و محتوا همین‌طور الگوی هدف‌گذاری ما تغییراتی ایجاد شد. اهداف هم دستخوش تغییر شدند. در برنامه گذشته اهداف برنامه‌ها را در سه حیطه نگرشی، دانشی و کارورزی برنامه‌ریزی می‌کردیم اما اکنون براساس الگوی برنامه درسی ملی، جدول ۴ و ۵ داریم یعنی ۴ بهینه خود. خلق خلقت و خدا و ۵ عنصر اهداف، تعقل، کفر، ایمان، اخلاق و عمل. بنابراین، بخش ۵ عنصر هم عناصر ویژه درس ملی‌اند. یعنی عناصر نوپدیددی که ما را از تعقل به اخلاق و ایمان و عمل می‌رسانند. حرف این است که این آموزه‌ها بتوانند به گونه‌ای سازماندهی و طراحی گردند و آموزش داده شوند که زمینه برای حیات طیبه مورد نظر برنامه درسی ملی فراهم شود و ما نمود اخلاق و ایمان را در رفتارهای فراگیرندگان ببینیم.

• ادبیات فارسی و دستور زبان، اصول اعتقادی و اخلاقی؛ ارتباط آموزشی این‌ها را بفرمایید.

■ با توجه به چهار پهنه برنامه درسی، برای هر برنامه درسی دو رویکرد در نظر می‌گیریم؛ یکی رویکرد عام که پرتو بالای سر ماست و هر رنگی که باشد، در فرودش هم به همان رنگ در خواهد آمد. این رویکرد برنامه درسی ملی است اما هر موضوع علمی برای خود رویکردی خاص دارد. حوزه ما پهنه قلمرو چیست؟ پهنه آموزش مهارت‌های زبانی و ادبی، و رویکرد خاص ما چیست؟ در زبان‌آموزی ما رویکرد مهارتی است. حالا ارتباط این با آن چه می‌شود؟ یعنی رویکرد خاص با شکوفایی فطرت چه می‌شود. می‌گوییم درست است ما هر آموزه خودمان را در زیر چتر رویکرد فطری نینیم. معتقدیم دانش‌آموز ما نگاره را می‌بیند. در کلاس اول دبستان از طریق نگاره به شناخت خود، توانایی‌های خود، ارتباط با پدر و مادر و اینکه من، دیگران و طبیعت همه آفریده‌ایم هستیم، می‌رسد. این حلقه‌ها ما را وصل می‌کند به اینجا که در حقیقت چیزی را بگوییم که متون فرهنگی-ادبی ما دارند فریاد می‌کشند و آن این است که: هر کسی به طریقی وصف و حمد تو گوید/ لبلب به غزل خوانی و قمری به ترانه. حتی در حوزه آموزش‌های تخصصی دیگر هم همین‌طور؛ ما واقعاً برای چه باید دستور زبان را فرا بگیریم؟ دانستن فعل و فاعل چه کمکی به معرفت‌شناسی و انسان بودن ما می‌کند. فرامی‌گیریم که انسان فهیم‌تری باشیم بنابراین، این‌ها ابزاری هستند برای فراتر رفتن دامنه ادراکی ما.

• برای اینکه تغییر و تحول با نیازهای جامعه و نیازهای نسلی و آینده همساز و همراه باشد، چه اقداماتی صورت می‌گیرد؟

■ تغییراتی که انجام می‌شود، بر پایه پژوهش‌هایی است که به نیازسنجی مربوط می‌شوند؛ یعنی نیازسنجی‌هایی از سطح جامعه بیرونی از مناطق مختلف کشور و حوزه‌های زبانی، با توجه به بافت

جغرافیایی و فرهنگی پراکنده. این یک بخش از بنیان‌های تغییر ما را سامان می‌دهد. بنابراین، توجه به نیازهای اجتماعی بیرونی و گروه‌های سنی مخاطب برنامه درسی، از کودک تا نوجوان و جوان، را داریم و به تناسب این تغییر، دوره‌ها و نیازها هم متفاوت‌اند. مثلاً در متوسطه اول (راهنمایی سابق)، در کتاب فصلی را گنجانده‌ایم با عنوان «شکوفایی».

منظور ما توجه به مسائل بلوغ و ویژه نوجوانان است. این را فقط در این دوره داشتیم و در متوسطه دوم و ابتدایی نداریم. چرا؟ این یعنی ایجاد انعطاف که یکی از اصول برنامه ماست. انعطاف برای چه؟ برای توجه به نیازهای ویژه گروه‌های سنی. در برنامه درسی ما، تولید محتوا در هر دوره سنی باید با توجه به خواسته‌ها و علاقه‌ها و نیازهای روحی، جسمی، و توانایی‌های زبانی دانش‌آموزان شکل بگیرد. این بخش مربوط به نیازسنجی گروه‌های سنی و مخاطبان است.

بخش دیگر، توجه به نیازهای فرهنگی اجتماعی است؛ به تحولاتی که در جامعه فرهنگی کشور و در سطح بین‌المللی اتفاق می‌افتد، دگرذیبی‌ها و تحولات اجتماعی. به‌طور طبیعی، کتاب‌های درسی هم باید خود را برای رویارویی مخاطبان ما یعنی نوجوانان - با مسائل فرهنگی جدید آماده کنند. یکی از موضوعاتی که کتاب‌های درسی فارسی به آن پرداخته، سبک زندگی است. درس‌هایی که در این بخش سبک زندگی آمده چیست؟ یکی از درس‌های ما اخلاق رایانه‌ای است. ما به نفوذ دنیای نرم‌افزاری جدید در ذهن مخاطبان برنامه درسی، بی‌توجه نبوده‌ایم و بخشی از درس‌های محتوایی را به آن اختصاص داده‌ایم. این را برای تحریک شاخک‌های نوجوانان در سبک زندگی داریم تا زمان بهره‌گیری از فضای مجازی هوشیاری داشته باشند. این یعنی توجه به تحولات اجتماعی، علمی، صنعتی و نهایت اینکه رویکرد خاص مهارتی در حوزه زبان‌آموزی. یعنی معتقدیم محتوای ما باید دانش‌آموزان را به سمت زندگی سالم‌تر با توانایی با بهره‌گیری‌های زبانی

یعنی مهارت‌های زبانی ببرد و زبان‌آموزان را برای ارتباط اجتماعی مناسب و زندگی بهتر آماده کند. آموزش در خدمت زندگی سالم، کارکرد ادبی، زبانی ما این است.

• یک نظر کارشناسی وجود دارد که از تأثیر منفی فضای مجازی بر لحن و خوانش بچه‌ها حکایت دارد. می‌گویند هنگام خواندن یک صفحه کتاب یا انشا، بچه‌ها لحنشان دچار اشکال است و این ناشی از استفاده بسیار بچه‌ها از فضای مجازی است. این را به عنوان بازخورد عرض کردم. آیا در این حوزه کاری انجام شده است یا برنامه‌ای دارید؟

■ بله. سیاست‌گذارم. این یک نکته دقیق و درستی است. اگر در کتاب‌های درسی جدید ما تأمل بفرمایید، می‌بینید که یکی از نوکاری‌های ما در دو سال اخیر از پایه هفتم و هشتم شروع شده و الان به نهم رسیده است؛ به ویژه در قلمرو آموزش مهارت‌های خوانداری، موضوع جدیدمان آموزش لحن در خوانش متون است. چرا ما به این روآورده‌ایم؟ چون در نود سال از ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۰ شما هیچ‌جا نشان از آموزش لحن در فارسی را نمی‌بینید. ما این برنامه را از آن جهت در محتوا گنجانده‌ایم که چنین آسیبی را شناسایی کرده بودیم. همان نیازسنجی‌هایی که انجام می‌شود، افزون بر اینکه نیازها را نشان می‌دهد. آسیب‌گاه‌ها را هم به ما یادآوری می‌کند. یکی از آسیب‌ها همین میزان اثرگذاری و نفوذ است. خیلی‌ها می‌نالند و فریاد می‌زنند که بچه‌های ما کم مطالعه شده‌اند و کمتر ارتباط برقرار می‌کنند. به گمان من، بچه‌های امروز در برابر تازش دانش و هجوم اطلاعات قرار گرفته‌اند؛ از فضاهای وایبر، واتس‌آپ، رایانه، ایمیل و جی‌میل می‌خوانند، پیام می‌فرستند و می‌گیرند. این‌ها شاید از سر یادگیری نباشد اما ناخودآگاه اثر خوب و بد خود را خواهد گذاشت. هر پدیده‌ای این‌طور است و خوبی‌ها و بدی‌هایی دارد. برای بخش آسیب‌ها ما در برنامه درسی در بحث سبک زندگی درس‌هایی را با این نام برای توجه دادن به دانش‌آموزان هنگام



گروه‌های سنی. توانایی‌های زبانی و ادراکی و توجه به اهداف آموزشی برنامه درسی موضوع‌ها و مفاهیمی هستند که باید براساس برنامه انتخاب شوند. غیر از این‌ها فصل‌ها و موضوع‌های ما هستند که در ادبیات پیشینه ما نبوده‌اند. امروزی هستند و ما این‌ها را ناگزیر تدوین می‌کنیم؛ می‌نویسیم یا از نویسندگان امروزی می‌گیریم. سفارش می‌دهیم به افرادی که توانایی‌هایی در نوشتن دارند و امروزی هستند و مربوط به عصر سعدی نیستند. بنابراین، کتاب درسی ما بخشی‌گزینش متون از گنجینه ادبیات است و بخشی‌تدوین مؤلفان و بخشی هم از معاصران استفاده می‌کنیم تا این کتاب سازماندهی و تدوین شود.

● **آقای دکتر اکبری، از شما به خاطر حوصله‌ای که به خرج دادید، سپاسگزاری می‌کنیم. صحبت‌های پایانی شما را می‌شنویم.**

■ **سپاسگزارم که پرسش‌های خوبی فرمودید. نکته‌ای را بگویم و همین پایان سخن باشد. شاید همکاران ما برای سال ۹۵ چشم به‌راه باشند که اولین تألیف ما در دوره متوسطه دوم، بیاید و این نوزاد را چه بنامند و بخوانند.**

ما در دوره متوسطه اول این نوزادها را به دو نام می‌خوانیم: در دو قلمرو یکی فارسی، آموزش مهارت‌های خواننداری یعنی بخش شفاهی فارسی و دیگری آموزش مهارت‌های نوشتاری، یعنی قلمرو آموزش نمادهای مکتوب و نوشتاری زبان که در سال‌های گذشته با نام انشا و املا از آن یاد می‌کردیم. برنامه ما این است که این دو را با هم و همسو تا به فرجام پیش ببریم. اما به تناسب در پایه‌های بالاتر در پایه ۱۱ و ۱۲ دامنه کمی فراخ‌تر می‌شود و نگاه‌های ویژه ادبیات برجسته‌تر. در آنجا موضوعات ویژه‌ای مثل آرایه‌های ادبی، تاریخ ادبیات، نظم و عروض و قافیه خواهیم داشت. ان‌شاءالله، اما به حسب آنکه در آغاز عرض کردم هنوز مصوبه شورای عالی، مواد و نام‌ها و زمان را به ما اعلام نکرده‌اند و ما همچنان چشم به راهیم تا ببینیم چه می‌شود.

روبارویی با دنیای مجازی آورده‌ایم. چون ما هم مثل قدمای خود که می‌گفتند هر کاری آدابی دارد، معتقدیم که این اثرگذاری‌ها شاید تلنگری به ماست تا در برنامه‌ریزی و ساماندهی محتوایی دقت کنیم. نباید از کنار این‌ها آرام و با فراغ خاطر بگذریم. باید تأمل داشته باشیم و ریسک کنیم. به علاوه، برای روبارویی با آن برنامه‌ریزی داشته باشیم و گرنه منفی دیدن و پرهیز دادن نوجوانان نتیجه وارونه خواهد داشت.

یک نکته تربیتی مهم مولانا در مثنوی دارد. حرفش این است که اگر به کودک بگویید پیاز بوی ناک و بدبو است، از آن پرهیز کن توجهی نمی‌کند؛ مگر اینکه سیب خوش‌قدوقواره و خوش‌سیما را نشانش بدهی. مولانا می‌گوید:

تا نبیند کودکی که سیب هست
او پیاز گنده را ندهد ز دست

به گمان من ما در برنامه‌های درسی داریم این کار را می‌کنیم. توجه به لحن در خوانش ریشه در روان‌شناسی ناخودآگاه روانی هر فرد نسبت به موسیقی دارد. طبیعت هر انسانی این‌طوری است. ما آمدیم از این ویژگی در خوانش متن و زیبایی بخشیدن به متن و طراوت‌بخشی به کلاس استفاده کردیم. الان دو سال است که این دارد اجرا می‌شود. همکاران ما آنقدر برانگیخته شده‌اند که دارند در سطح استان‌ها جشنواره خوانش متن برگزار می‌کنند. شهرستان‌های تهران دومین المپیاد خوانش متن را امسال برگزار کردند و استان خراسان المپیاد یا هم‌آورد خوانش متون با تکیه بر لحن را دارند برگزار می‌کنند. این‌ها یعنی فرصت‌سازی کردن و کشاندن نوجوانان به سمت ذائقه‌های خودشان.

● **لطفاً درباره چگونگی انتخاب متون و انتخاب گروه تألیف توضیح دهید.**

■ **ما متن‌هایی داریم که از اقیانوس فرهنگی زبان و ادبیات فارسی و آثار ارزشمند ما گزینش می‌شوند. گزینش ما بر پایه سنجها و معیارهایی است که هم معیار برنامه است و هم معیار نیازهای**